

### چکیده

طرح عظیم ساخت دیوار حایل از سوی اسرائیل اعتراضات گسترده‌ای را در سطح منطقه و جهان به دنبال آورد. در حالی که مقامات اسرائیل ساخت این دیوار را برای جلوگیری از ورود مبارزان فلسطینی و حفاظت از شهروندان خود ضروری دانسته‌اند و از آن به عنوان یک حصار امنیتی یاد کرده‌اند، بسیاری از کشورها و فعالان مسایل حقوق بشر اقدام یاد شده را مغایر با تعهدات اسرائیل، قطعنامه‌های مجمع عمومی و شوراى امنیت ملل متحد و توافقات دوجانبه فلسطینی - اسرائیلی می‌دانند. در نوشته حاضر، نامشروع بودن احداث چنین دیواری از سوی اسرائیل در پرتو اصول و مقررات حاکم و قابل اعمال بر سرزمینهای اشغالی فلسطین به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: دیوار حایل، حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت، سازمان ملل متحد، سیاستهای امنیتی اسرائیل

\* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل در دانشگاه شهید بهشتی.

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال یازدهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۱۵۰ - ۱۳۱

تصمیم و آغاز به کار ساخت دیوار حایل<sup>(۱)</sup> در کناره باختری رود اردن از سوی اسرائیل، چالش جدیدی را در رابطه با مسئله بغرنج و پیچیده صلح در خاورمیانه پدید آورده است. اسرائیل از این دیوار به عنوان «حصار امنیتی موقت» یاد کرده و ساخت آن را اقدامی موجه و مبتنی بر ضرورت نظامی و حتی «دفاع از خود» برای جلوگیری از ورود مبارزان فلسطینی به مناطق کرانه باختری و حفاظت از مرزهایش می‌داند. از سوی دیگر، فلسطینی‌ها و بسیاری دیگر از کشورهای اسلامی معتقدند که دیوار حایل اقدامی برای تعیین و تثبیت یک‌جانبه مرزها پیش از هرگونه حصول به صلحی در آینده با اسرائیل بوده و بهانه‌ای است برای ایجاد شهرکهای جدید یهودی‌نشین در سرزمینهای اشغالی فلسطین.<sup>۱</sup> حساسیت و اهمیت این موضوع به حدی است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۸ دسامبر ۲۰۰۳، با تصویب قطعنامه ES-10/14 از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست نمود تا در خصوص مشروعیت پیامدهای حقوقی ناشی از ساخت دیوار حایل در سرزمینهای اشغالی فلسطین رأی مشورتی ارایه دهد. در این نوشتار ضمن بیان توضیحات مختصری درباره دیوار حایل، توسل به چنین اقدامی از سوی اسرائیل را در پرتو برخی اصول، قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل به‌ویژه قواعد ناظر بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر بررسی و مشروعیت آن را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

## دیوار حایل

طرح ساخت دیوار حایل در ژوئن ۲۰۰۳ از سوی رژیم اسرائیل در سرزمینهای اشغالی فلسطین شروع شد. بخش وسیعی از این دیوار که از شمال به جنوب کشیده شده است، چندین مایل در داخل منطقه موسوم به خط سبز (خطی که به‌طور دوفاکتو مرز بین اسرائیل و ساحل غربی رود اردن را نشان می‌دهد و قبل از جنگ شش روزه بخشی

1. Separation Barrier

از خاک اردن بود) امتداد می‌یابد.<sup>۲</sup> طول این دیوار که قرار است ساخت آن تا سال ۲۰۰۵ به اتمام برسد، ۴۰۳ مایل (۶۵۰ کیلومتر) و ارتفاع آن در برخی جاها به ۲۵ فوت (۸ متر) می‌رسد. بنابر گزارش جان دوگارد، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۰۳، هزینه ساخت این دیوار بالغ با ۱/۴ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شده است. مهم‌ترین پیامد ساخت چنین دیواری، تخریب گسترده اموال فلسطینیان و الحاق دوفاکتوی منطقه‌ای به عرض ۶ تا ۷ کیلومتر بین خط سبز و دیوار واقع در قسمت غرب آن به اسرائیل است.<sup>۳</sup> طبق گزارش دوگارد، در اثر ساخت دیوار حایل بیش از ۲۰۰ هزار فلسطینی که بین دیوار و خط سبز زندگی می‌کنند، شامل هزاران فلسطینی ساکن ۶۷ روستا، شهر و شهرک، عملاً از مزارع، محل کار، مدارس، کلینیک‌های بهداشتی و سایر خدمات اجتماعی خود جدا خواهند شد که این امر آثار بسیار وخیمی بر زندگی آنان خواهد داشت و ممکن است موج جدیدی از پناهندگان و آوارگان داخلی را پدید آورد.<sup>۴</sup> دیوار حایل شامل: مناطق حایل، خندق، سیم خاردار، مسیرهای ردیابی برای ثبت ردپا، یک نرده الکترونیکی دارای حسگرهایی برای هشدار هر نوع یورش، یک مسیر گشت‌زنی دوطرفه و برجهای مراقبت مستحکم در فواصل منظم و تعداد معدودی گذرگاه می‌باشد.<sup>۵</sup> به‌علاوه، در هر یک از دو طرف دیوار، ۱۰۰ متر نیز به‌عنوان منطقه ممنوعه در نظر گرفته شده است.

## حقوق بین‌الملل قابل اعمال در سرزمینهای اشغالی فلسطین و جایگاه دیوار حایل

همان‌طور که در مقدمه نیز اشاره شد، اسرائیل در توجیه اقدام خود در ساخت دیوار حایل از آن به‌عنوان یک «حصار امنیتی» برای جلوگیری از ورود مبارزان فلسطینی به درون مرزهایش یاد کرده و حتی به حق دفاع از خود نیز استناد جسته است. در عمل، همان‌طور که فلسطینیان تأکید می‌کنند، نتیجه این اقدام مصادره و تخریب گسترده اموال

فلسطینیان، الحاق یا ضمیمه کردن بخشهای زیادی از سرزمینها و جمعیت فلسطین به اسرائیل و محروم کردن ساکنان این مناطق از حق رفت و آمد و دسترسی به محل کار است. برای بررسی حقوق بین الملل قابل اعمال در سرزمینهای اشغالی فلسطین به طور کلی و مشروعیت ایجاد دیوار حایل به طور خاص، باید این موضوع را در پرتو اصول و قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق بین الملل بشر بررسی نمود.

### ۱. حقوق بین الملل بشردوستانه

حقوق بین الملل بشردوستانه شامل مجموعه اصول، قواعد و مقرراتی است که با شروع هر مخاصمه مسلحانه و یا اشغال تمام یا بخشی از خاک یک دولت توسط دولت دیگر قابل اعمال بوده و اغلب در کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه<sup>۶</sup> (مقررات لاهه) و کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹<sup>۷</sup> و پروتکل های ۱۹۷۷<sup>۸</sup> الحاقی به آنها تدوین شده است.<sup>۹</sup> همان طور که می دانیم کرانه باختری رود اردن و نوار غزه پس از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ به اشغال نظامی اسرائیل در آمد و طبیعتاً از زمان شروع جنگ تا پایان اشغال نظامی می بایست حقوق بشردوستانه بین المللی در این مناطق اعمال شود، اما «دولت اسرائیل همواره این مناطق را جزو جداناپذیر سرزمین اسرائیل تلقی می کند و افراطیون اسرائیلی تحت هیچ عنوان نمی خواهند این واقعیت را بپذیرند که این سرزمینها، سرزمین اشغالی هستند که تابع یک سلسله قواعد و مقرراتی براساس حقوق بشردوستانه اند.»<sup>۱۰</sup> در مورد قابلیت اعمال مقررات لاهه ۱۹۰۷ در سرزمینهای اشغالی فلسطین، باید به این نکته اشاره داشت که حتی دیوان عالی اسرائیل این مقررات را به عنوان بخشی از حقوق بین الملل عرفی قابل اجرا در دادگاههای اسرائیل پذیرفته است.<sup>۱۱</sup> «دیوان عالی اسرائیل موافقت نموده که مقررات لاهه در مورد سرزمینهای اشغالی نیز براساس وضعیت این مقررات به عنوان بخشی از حقوق بین الملل عرفی قابل اعمال بوده و حتی دیوان مذکور اقدامات دولت در سرزمینهای اشغالی را براساس مفاد آن بررسی و ارزیابی نمود. به ویژه اینکه مقامات

اسرائیلی توقیف یا مصادره اموال در سرزمینهای اشغالی را بر مبنای ماده‌ای از مقررات لاهه که به دولت اشغالگر اجازه می‌دهد اموال خصوصی را در زمان جنگ برای نیازهای نظامی توقیف نماید، قرار داده‌اند.<sup>۱۲</sup>

در مورد اعمال کنوانسیون شماره ۴ ژنو (۱۹۴۹)، موضع رسمی دولت اسرائیل به‌رغم امضا و تصویب کنوانسیون فوق، این است که مفاد آن به‌طور کامل در مورد سرزمینهای اشغالی اعمال نمی‌گردد. اسرائیل بر این باور است که کنوانسیون شماره ۴ ژنو طبق ماده ۲ آن، در صورت وقوع درگیری مسلحانه بین دو یا چند «دولت معظم متعاهد» و اشغال یا تصرف بخشی از خاک یک دولت توسط دیگر دولت متخاصم اجرا خواهد شد؛ در حالی که کرانه غربی رود اردن و نوار غزه که در جنگ شش روزه به اشغال اسرائیل درآمده‌اند، هرگز از نظر بین‌المللی به‌عنوان بخشی از سرزمین مصر و اردن به رسمیت شناخته نشده‌اند و از این رو نمی‌توان گفت که اسرائیل بخشی از خاک این دو دولت را اشغال کرده است. بنابراین کنوانسیون شماره ۴ در این مناطق قابل اعمال نیست،<sup>۱۳</sup> اما تاکنون ادعای عدم قابلیت کنوانسیون چهارم در مورد سرزمینهای اشغالی از سوی کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ و سایر متخصصان حقوق بین‌الملل رد شده است. صلیب‌سرخ معتقد است که «کنوانسیون ۴ ژنو ارتباطی به حاکمیت طرفین مخاصمه ندارد. این کنوانسیون در کلیه مواردی که سرزمینی در طول یک مخاصمه مسلحانه اشغال گردد، فارغ از وضعیت حقوقی آن سرزمین اعمال خواهد شد.»<sup>۱۴</sup> علاوه بر این، شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در موارد مختلف از اسرائیل خواسته‌اند که به قواعد حقوق بشر دوستانه در سرزمینهای اشغالی احترام بگذارد؛ به‌عنوان مثال، شورای امنیت در سال ۱۹۹۰ با تصویب قطعنامه ۶۸۱ از دولت اسرائیل درخواست نمود تا «اعمال دائمی»<sup>(۱)</sup> کنوانسیون ۴ ژنو در مورد سرزمینهای اشغالی را بپذیرد.<sup>۱۵</sup> مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۰۱ در قطعنامه ۵۶/۶۰ بار دیگر بر این موضوع تأکید کرد که کنوانسیون ۴ ژنو

در مورد سرزمینهای اشغالی فلسطین شامل بیت‌المقدس و سایر سرزمینهای عربی که از سال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شد، قابل اعمال است.<sup>۱۶</sup> همچنین، دولتهای متعهد به کنوانسیونهای ژنو در کنفرانسی در سال ۲۰۰۱ قابلیت اجرایی کنوانسیون چهارم در مورد سرزمینهای اشغالی را تأیید نموده و از اسرائیل خواستند تا از نقضهای فاحش<sup>(۱)</sup> کنوانسیون از قبیل مصادره و تخریب گسترده اموال که ضرورت نظامی آن را ایجاب نمی‌کند، بپرهیزد.<sup>۱۷</sup>

با توجه به نکات یاد شده و نیز با عنایت به عرفی شدن کنوانسیونهای لاهه و ژنو، می‌توان چنین نتیجه گرفت که حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مورد سرزمینهای اشغالی فلسطین قابل اعمال بوده و اسرائیل متعهد به رعایت اصول و قواعد و مقررات ناظر بر آن، به‌ویژه در زمینه ساخت دیوار حایل است. حال با توجه به این نتیجه‌گیری، باید دید که آیا ساخت دیوار حایل در سرزمینهای اشغالی فلسطین و آثار و پیامدهای ناشی از آن با اصول و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی انطباق و سازگاری دارد یا خیر. در بررسی انطباق و سازگاری ساخت دیوار حایل در سرزمینهای اشغالی با حقوق بشردوستانه، باید به پیامد و نتایج و نیز هدف و ضرورت تأسیس آن توجه کرد. از این‌رو، در این بحث سه موضوع را می‌توان مورد بررسی و ارزیابی قرار داد: نخست، الحاق یا ضمیمه‌سازی قسمتهایی از سرزمینهای اشغالی به اسرائیل در نتیجه ساخت دیوار؛ دوم، مصادره و تخریب اموال در مسیر دیوار؛ و در نهایت ضرورت نظامی ساخت چنین دیواری از سوی اسرائیل.

### الحاق سرزمین

همان‌طور که ذکر شد، اسرائیل با ایجاد دیوار حایل در سرزمینهای اشغالی فلسطین، در عمل قسمتهای زیادی از این سرزمینها؛ از جمله، چندین قصبه، روستا و مزرعه کشاورزی را که بین خط‌سبز و دیوار حایل قرار دارند و بعد از جنگ ۱۹۶۷ به

1. Grave Breach

اشغال درآمدند، ضمیمه خود کرده است.<sup>۱۸</sup> این اقدام اسراییل به نحوی که در گزارش ۸ دسامبر ۲۰۰۳ گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر نیز تأکید شده، به معنی تصرف<sup>(۱)</sup> یا الحاق سرزمین دولت مغلوب توسط دولت اشغالگر است. در گزارش مذکور آمده است که «شواهد قویاً حاکی از آن است که اسراییل مصمم است تا وقایعی بر روی زمین برای الحاق دوفاکتو [به خود] ایجاد نماید.»<sup>۱۹</sup> حال باید دید آیا براساس حقوق بشردوستانه و عرفها و قوانین جنگ، دولت اشغالگر می‌تواند سرزمینهای اشغال شده را به خاک خود ملحق یا ضمیمه نماید؟

در پاسخ به این سؤال، باید گفت که پیش از شروع قرن بیستم، پیروزی در جنگ و تصرف سرزمین از راه توسل به زور در حقوق بین‌الملل امری مشروع قلمداد می‌گردید و اصولاً یکی از اهداف اصلی دولت‌ها از توسل به جنگ کسب سرزمین بود.<sup>۲۰</sup> اما با تحولاتی که در قرن بیستم در زمینه حقوق جنگ پدید آمد، در حال حاضر این امر پذیرفته شده که سرزمین یک دولت نباید با هدف کسب سرزمین و از راه توسل یا تهدید به زور توسط دولت دیگر تصرف یا اشغال شود. این امر در تضاد آشکار با ماده ۴(۲) منشور ملل متحد و همچنین اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها طبق منشور قطعنامه ۱۹۷۰ مجمع عمومی ملل متحد<sup>۲۱</sup> است، علاوه بر این، ممنوعیت کسب سرزمین از راه زور هم شامل توسل به جنگ (تجاوز) و هم دفاع مشروع می‌گردد.<sup>۲۲</sup> همچنین در چندین سند مربوط به حقوق بشردوستانه، اصل ممنوعیت ضمیمه‌سازی یا الحاق سرزمین اشغال شده به دولت اشغالگر به‌طور ضمنی اعلام شده است. در این زمینه، اگرچه مقررات ۱۹۰۷ لاهه به صراحت الحاق را ممنوع اعلام نکرده است، اصولاً تصرف سرزمین از راه زور به‌طور آشکار با روح حاکم بر این مقررات و هدف آنها در تضاد است؛ زیرا برای مثال مقررات مذکور با اعلام اینکه اموال عمومی و دولتی در سرزمین‌هایی که به اشغال یکی از طرفین درآمد، باید طبق قوانین و مقررات دولت معزول (دولتی که

سرزمین آن اشغال شده) اداره شوند، امکان الحاق یا ضمیمه‌سازی سرزمین اشغالی را به دولت اشغالگر رد می‌کند.<sup>۲۳</sup> بنابراین طبق مقررات ۱۹۰۷ لاهه، اشغال سرزمین وضعیتی موقت داشته و نباید منجر به الحاق به دولت اشغالگر گردد.

ماده ۴۷ کنوانسیون ۴ ژنو نیز اصل نقض ناپذیری حقوق اشخاص مورد حمایت در اراضی اشغالی را بیان می‌دارد. این ماده مقرر می‌دارد: «اشخاص مورد حمایت که در اراضی اشغال شده باشند، در هیچ مورد یا به هیچ نحو از مزایای این کنوانسیون به علت اینکه دولت اشغال‌کننده تمام یا قسمتی از اراضی اشغال شده را به خاک خود الحاق کرده باشد، محروم نخواهند گردید.» در ظاهر به نظر می‌رسد که این ماده به طور تلویحی الحاق سرزمین از سوی دولت اشغالگر را به رسمیت شناخته است، ولی باید توجه داشت که موضوع و هدف این ماده بیان یکی از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه یعنی تعهدات دولت اشغالگر مبنی بر رعایت حقوق اشخاص مورد حمایت در سرزمینهای اشغالی بوده و نمی‌توان آن را به منزله پذیرش و قانونی بودن الحاق تفسیر کرد.<sup>۲۴</sup> کمیته بین‌المللی صلیب سرخ این نظر را مورد تأیید قرار داده و معتقد است که «اشغال سرزمین هر چند که به طول انجامد، به منزله ادامه مخاصمه و جاری بودن حقوق بشردوستانه است و تا حصول به یک موافقت‌نامه صلح دولت اشغالگر نمی‌تواند تمام یا بخشی از سرزمین اشغالی را به خود منتقل کند».<sup>۲۵</sup>

بنابراین، با توجه به موارد یاد شده و همان‌طور که در گزارش دوگارد و قطعنامه‌های مختلف مجمع عمومی و شورای امنیت ذکر شده است،<sup>۲۶</sup> اقدامات یک‌جانبه اسراییل در ساخت دیوار در سرزمینهای اشغالی فلسطین که منجر به الحاق دوفاکتوی بخش زیادی از کرانه باختری به اسراییل می‌گردد، نقض قاعده عرفی و مسلم حقوق بین‌الملل در خصوص عدم مشروعیت تصرف سرزمین از طریق توسل به زور تلقی می‌گردد و فاقد وجهت قانونی است.



## مصادره و تخریب اموال

پروژه ساخت دیوار حایل با مصادره و تخریب گسترده اموال فلسطینیان در مسیر یا اطراف دیوار به‌ویژه زمینهای کشاورزی، درختان زیتون و باغهای انگور که وسیله امرارمعاش هزاران فلسطینی‌اند، همراه بوده است. برآورد شده است که تنها در مرحله اول ساخت دیوار، حدود ۲ درصد از کل اموال فلسطینیان مصادره خواهد شد،<sup>۲۷</sup> و زمینهای کشاورزی زیادی در مجاورت دیوار حایل برای فلسطینیان، ممنوعه<sup>(۱)</sup> اعلام و در نتیجه بدون استفاده می‌گردد. این اموال که تاکنون در مسیر یا اطراف دیوار حایل مصادره و تخریب شده یا قرار است مصادره و تخریب شود، داخل سرزمینهای اشغالی قرار گرفته و از این‌رو از حمایت‌های مقرر در مقررات لاهه و کنوانسیون ۴ ژنو برخوردارند. برای مثال، ماده (g) ۲۳ مقررات لاهه ۱۹۰۷ زیر عنوان متخصصان،<sup>(۲)</sup> مقرر نموده که «تخریب و توقیف اموال دشمن ممنوع است، مگر اینکه ضرورت‌های جنگی آن را ایجاب نماید.» ماده ۴۴ مقررات مذکور در قسمت مربوط به اشغال نظامی به صراحت تأکید می‌کند که «اموال خصوصی را نمی‌توان مصادره کرد.» ماده ۵۲ آن نیز بیان می‌دارد که «دولت اشغالگر نمی‌تواند اموال را مصادره نماید، مگر اینکه چنین اقدامی به‌منظور نیازهای ارتش اشغال‌کننده باشد.» علاوه بر این، ماده ۵۳ نیز اشعار می‌دارد که «اشغال‌کننده تنها می‌تواند اموال منقول متعلق به دولت را که ممکن است برای اهداف نظامی استفاده شود، تصرف نماید.» در عین حال، ماده ۵۵ همان مقررات مقرر می‌دارد: «اموال عمومی واقع در سرزمین اشغالی باید طبق قوانین دولت اشغال شده اداره شوند.» بنابراین، طبق مقررات لاهه ۱۹۰۷، مصادره و تخریب اموال در سرزمینهای اشغالی اصولاً ممنوع است.

کنوانسیون ۴ ژنو ۱۹۴۹ نیز در این زمینه مقرراتی را منظور داشته است. ماده ۵۳ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «تخریب اموال منقول و غیرمنقولی که به‌طور فردی

---

1. Off-limits  
2. Hostilities

و مشترک متعلق به اشخاص یا دولت یا شرکتهای عمومی یا سازمانهای اجتماعی یا تعاونی باشد، توسط دولت اشغال کننده ممنوع است، مگر در مواردی که تخریب آنها به واسطه عملیات جنگی ضرورت حتمی یابد.» استثنای مقرر در ماده فوق بدین معناست که نیروهای اشغال کننده زمانی می‌توانند تمام یا بخشی از اموال دولتی یا خصوصی را تخریب کنند که الزامات اجتناب‌پذیر نظامی چنین اقدامی را ایجاب نماید؛ زیرا منشأ اصلی ماده ۵۳ کنوانسیون ژنو در واقع همان ماده (g) ۲۳ و ماده ۴۶ و نیز اصل ممنوعیت مجازاتهای دسته‌جمعی مقرر در ماده ۵۰ مقررات لاهه ۱۹۰۷ بوده که مفاد آن هم‌اکنون جزو قواعد عرفی حقوق بین‌الملل می‌باشند.<sup>۲۸</sup> این نکته را نیز باید اضافه نمود که ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم، تخریب یا تصرف اموالی را که متکی به ضرورت نظامی نباشند و به صورت گسترده و به‌طور غیرقانونی و به دلخواه اجرا شود، در زمره نقضهای فاحش کنوانسیون برشمرده است.<sup>۲۹</sup>

مقررات مشابهی برای حمایت حقوقی از اموال در مخاصمات مسلحانه در اسناد دیگر نیز یافت می‌شود. از جمله، در ماده (d) ۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق،<sup>(۱)</sup> مقرر گردیده است که «دیوان نسبت به نقضهای فاحش کنوانسیونهای ژنو، از جمله، تخریب گسترده اموال که ضرورت نظامی آن را ایجاب نمی‌کند، صلاحیت رسیدگی خواهد داشت.»<sup>۳۰</sup> در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (رم ۱۹۹۸) نیز موضوع حمایت از اموال مورد ملاحظه قرار گرفته است. ماده (الف) ۸ اساسنامه نقضهای فاحش کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ را در زمره جنایات جنگی بر می‌شمارد. در این مورد ماده (۴) (الف) (۲) ۸ اساسنامه، به‌طور مشخص «تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی آن را توجیه نمی‌کند و به‌صورت غیرقانونی و خودسرانه اجرا شده است» را به‌عنوان یکی از جنایات جنگی قابل پیگرد در دیوان می‌داند. ماده (۱۳) (ب) (۲) ۸ نیز «تخریب و ضبط اموال دشمن، جز در مواردی که ضرورت‌های جنگ چنین تخریب یا ضبط اموال

1. Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia

را ایجاب نماید»، به‌عنوان دیگر نقضهای فاحش قوانین و عرفهای مسلم حقوق بین‌الملل و حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، جنایت جنگی تلقی می‌کند. نکته مهم و قابل توجه در مورد بند اخیر ماده ۸ نسبت به مورد قبل همین ماده این است که در بند اخیر «تخریب یا ضبط» اموال به‌طور کلی و بدون توجه به وسعت آن، جنایت جنگی محسوب می‌گردد، در حالی که در مورد بند قبلی می‌باید تخریب و ضبط اموال در سطح «گسترده» صورت گرفته باشد تا به‌عنوان جنایت جنگی در صلاحیت دیوان قرار گیرد. موارد فوق حاکی از آن است که به‌طور اصولی اقدام اسرائیل مبنی بر تخریب و ضبط اموال فلسطینیان برای احداث دیوار حایل در سرزمینهای اشغالی مغایر با حقوق بین‌الملل ناظر بر مخاصمات مسلحانه با حقوق بشردوستانه می‌باشد، مگر اینکه چنین اقدامی از نظر ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر نظامی باشد. بنابراین، باید دید که آیا ضرورت نظامی احداث چنین دیواری را توجیه می‌کند یا خیر؟

### ضرورت نظامی

پیش از این ذکر شد که اسرائیل برای به‌دست آوردن زمینهای لازم برای ساخت دیوار حایل علاوه بر اموال، زمینهای زیادی از فلسطینیان را مصادره و تخریب نموده است. اسرائیل این اقدام را از طریق صدور دستورالعمل‌هایی به‌نام «مصادره (ضبط) برای نیازهای نظامی» که به امضای فرمانده نظامی آن در کرانه غربی رسیده است، شروع کرد.<sup>۳۱</sup> اگرچه مدت اعتبار این دستورات تا پایان سال ۲۰۰۳ یا ۲۰۰۵ تعیین شده، ولی مدت مذکور بدون هیچ محدودیتی قابل تمدید نیز می‌باشد. همچنین، با اینکه اسرائیل هیچ‌گاه به‌طور رسمی مدعی مالکیت زمینهای محل احداث دیوار نشده، اما در «دستورات ضبط اموال» مالکیت اراضی تصرف شده را به زیر مجموعه‌های وزارت دفاع اسرائیل واگذار کرده است.<sup>۳۲</sup>

به‌نحوی که پیشتر ذکر شد، ماده (g) ۲۳ مقررات لاهه ۱۹۰۷، تخریب و ضبط اموال دشمن را جز در مواردی که ضرورت جنگی ایجاب نماید، ممنوع می‌داند. ماده ۵۳ کنوانسیون ۴ ژنو نیز تخریب اموال در سرزمینهای اشغالی را منع می‌کند، مگر در موارد ضروری برای عملیات جنگی. ضرورت نظامی به‌معنی نیاز قطعی و حتمی برای اتخاذ اقداماتی است که برای رسیدن به اهداف جنگ اساسی بوده و در عین حال چنین اقداماتی می‌باید طبق قوانین و عرفهای جنگی، مشروع نیز باشد. بنابراین، تخطی از یک قاعده مربوط به حقوق مخاصمات مسلحانه از طریق توسل به «ضرورت نظامی» امکان‌پذیر نیست، مگر اینکه قاعده مذکور به صراحت چنین امکانی را مقرر نموده باشد.<sup>۳۳</sup> کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ در تفاسیری که از کنوانسیون ۴ ژنو ارائه داده است، هشدار می‌دهد که توسل ناصحیح به قید ضرورت نظامی، به دولت اشغالگر اجازه می‌دهد تا به‌راحتی ممنوعیت مقرر در کنوانسیون را دور زند.<sup>۳۴</sup> در همین زمینه، براون لی معتقد است که «اگر دولتی را که به ضرورت نظامی استناد می‌کند قاضی رفتار آن دولت در شناسایی این وضعیت قرار دهیم، ضرورت نظامی صرفاً به‌عنوان پنجره‌ای برای فرار از هدف غایی کنوانسیون ظاهر خواهد شد.»<sup>۳۵</sup>

اقدامات اسرائیل هشدارهای کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ و حقوق‌دانان مختلف را تأیید می‌کند؛ چرا که مقامات اسرائیل به‌طور دایم اقدامات غیرقانونی ارتش خود در سرزمینهای اشغالی فلسطین را با استناد به «ضرورت نظامی» توجیه می‌کنند.<sup>۳۶</sup> نامشروع بودن اقدامات اسرائیل از این جهت است که، اموالی که برای تسهیل ساخت دیوار حایل ضبط و تخریب می‌شوند، تحت حمایت مقررات ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون ۴ ژنو قرار دارند و ضرورت نظامی نیز ضبط و تخریب آنها را ایجاب نمی‌کند. زیرا دیوار برای شکست نظامی دشمن در نظر گرفته نشده است، بلکه در داخل سرزمینهای اشغالی برای حمایت از شهروندان اسرائیلی داخل اسرائیل ایجاد می‌گردد، از این‌رو مسلم است که نمی‌تواند اقدامی نظامی برای ارتقای موقعیت ارتش اسرائیل باشد.<sup>۳۷</sup> علاوه بر آن، با

گذشت چند دهه از زمان اشغال نظامی کرانه باختری دیگر عملیات جنگی به آن مفهوم در این سرزمینها وجود ندارد تا ساخت دیواری به این وسعت را بتوان براساس آن ضروری دانست. به این نکته نیز باید اشاره داشت که تخریب اموال حتی برای ساخت استحکامات نظامی یا سنگربندی نمی‌تواند بر مبنای ضرورت نظامی قابل قبول باشد.<sup>۲۸</sup> ارتش اسرائیل قبلاً تمامی این سرزمینها را اشغال کرده و بر تمام شهرها و مناطق فلسطین از طریق منع آمدوشد و حکومت نظامی کنترل دارد، از این‌رو دیگر از نظر نظامی ضرورتی برای ساخت دیوار وجود ندارد. به‌علاوه مقامات اسرائیل نمی‌توانند اقدامات خود را بر مبنای ضرورت نظامی توجیه کنند، در حالی که همان‌طور که برشمردیم آنان در ساخت دیوار قواعد متعددی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض کرده‌اند؛ تخریب و مصادره اموال فلسطینیان برای ساخت دیوار حایل، همان‌طور که در گزارش گزارشگر ویژه ملل متحد و سازمانهای غیردولتی حقوق بشر عنوان شده است، تأثیرات بسیار سویی بر حقوق ساکنان این منطقه به نحو اشاعه داده شده در اسناد و موازین حقوق بشر داشته و خواهد داشت.

## ۲. حقوق بین‌المللی بشر

اغلب قواعد بین‌المللی حقوق بشر در سه سند مهم بین‌المللی درج شده است که عبارتند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶). این اسناد به‌عنوان منشور بین‌المللی حقوق بشر مشهورند و بسیاری از قواعد و مقررات آنها در زمره حقوق بنیادین بشر قرار دارد. اگرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر بدون قصد ایجاد تعهد حقوقی برای دولتها، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، امروزه اهمیت آن به درجه‌ای است که جامعه بین‌المللی به عرفی بودن غالب مندرجات آن اعتقاد داشته و هیچ دولتی آشکارا با این امر مخالفت نمی‌کند. در واقع، اعلامیه جهانی یک اعلامیه اصول است نه معاهده‌ای واقعی. از این‌رو افراد بدون نیاز به تصویب دولتها، از

حقوق مندرج در آن برخوردارند. در مورد میثاقهای ۱۹۶۶ نیز اسرائیل در سال ۱۹۹۱ هر دو میثاق را تصویب کرده است، با این حال، مدعی است که هیچ‌یک از آنها در سرزمینهای اشغالی فلسطین قابل اعمال نمی‌باشد. اسرائیل چنین استدلال می‌کند که «قواعد حقوق بشر مربوط به رفتار دولت با اتباعش در درون مرزهای خود است و رفتار آن دولت با خارجیان را دربر نمی‌گیرد. بنابراین، حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی فلسطین قابل اعمال نیست.»<sup>۳۹</sup> این رهنامه از سوی معاهدات نوین حقوق بشر رد شده است؛ برای مثال، بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد که «میثاق مزبور در مورد کلیه اشخاص داخل در سرزمین و حوزه صلاحیت دول عضو اعمال می‌گردد.» این ماده با صراحت روشن می‌سازد که کلیه اتباع و بیگانگان تحت پوشش میثاق قرار می‌گیرند و تعهد یک دولت مبنی بر رعایت حقوق بشر، الزاماً محدود به اشخاص درون سرزمین آن نیست، بلکه کلیه افراد داخل در حوزه صلاحیت آن دولت را دربر می‌گیرد. در این مفهوم، اصطلاح «حوزه صلاحیت» در مورد اسرائیل، شامل صلاحیت آن در ورای مرزهایش یعنی سرزمینهای اشغالی فلسطین نیز می‌گردد. این موضوع را می‌توان از موافقت‌نامه مقدماتی که در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۵ بین اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین به امضا رسید نیز استنباط کرد؛ زیرا در این موافقت‌نامه مردم کرانه غربی و نوار غزه تابع صلاحیت قضایی اسرائیل شناخته شده‌اند.<sup>۴۰</sup> چنین برداشت و مفهومی در اغلب اسناد حقوق بشر وجود دارد و موضوع و هدف حقوق بشر که همانا حمایت از انبای بشر از حیث انسان بودن آنها و فارغ از وضعیت تبعه یا بیگانه بودن آنان است، استنباط فوق را ایجاب می‌کند.

نهادهای سازمان ملل متحد که مسئولیت نظارت بر حسن اجرای میثاقهای یاد شده را برعهده دارند، یعنی کمیته حقوق بشر ملل متحد و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد نیز بر این موضوع صحنه گذاشته و معتقدند هر دولتی که این اسناد را به تصویب می‌رساند، متعهد است که قواعد و مقررات آنها را نسبت به کلیه اشخاص تحت کنترل خود، بدون توجه به مسایل مربوط به حاکمیت سرزمین به کار بندد.<sup>۴۱</sup> بنابراین، این

موضوع به روشنی در مورد سرزمینهای اشغالی فلسطین کاربرد داشته و اسرائیل موظف به رعایت موازین مذکور در مورد اشخاص درون سرزمینهای اشغالی فلسطین است.

ممکن است این شبهه پیش آید که اسناد و موازین حقوق بشر، مربوط به حمایت از افراد در زمان صلح بوده و در وضعیتهای مخاصمات مسلحانه و اشغال سرزمین، اصول و موازین حقوق بشر دوستانه کاربرد دارد، نه حقوق بشر. در این مورد باید گفت که، اگرچه چنین برداشتی در زمان تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ مدنظر بود و تدوین کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر قصد نداشتند که در وضعیتهای مخاصمات مسلحانه قواعد آن را قابل اعمال بدانند، با تحولاتی که بعدها در این زمینه به وجود آمد، به خصوص بعد از اشغال سرزمینهای فلسطین توسط اسرائیل در سال ۱۹۶۷، امروزه این امر پذیرفته شده که حقوق بشر هم در زمان صلح و هم در وضعیتهای درگیریهایی مسلحانه باید رعایت گردد. حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه هر دو یک هدف را دنبال می کنند و آن حمایت از حقوق ذاتی فرد است.<sup>۴۲</sup> اقدام اسرائیل در ساخت دیوار حایل بدون توجه به اصول و مقررات بشر صورت گرفته و در نتیجه ساخت این دیوار، تعداد وسیعی از فلسطینیان از بسیاری از حقوق خود که در زمره حقوق بنیادین بشر قرار دارند، محروم خواهد شد. از جمله حقوق و تضمینات اساسی حقوق بشر که با ساخت دیوار حایل و در نتیجه جدایی از سرزمین و جمعیت فلسطین توسط اسرائیل نادیده انگاشته و نقض شده است، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- آزادی رفت و آمد: این آزادی ناشی از آزادیهای شخصی است و مفهوم آن این است که هر شخص بتواند هر وقت که بخواهد، در داخل کشور رفت و آمد کند و در هر محلی که مایل باشد، سکونت نماید و هر موقع بخواهد، آن کشور را ترک کند و به کشور خود بازگردد.<sup>۴۳</sup> مواد ۹ و ۱۳(۱) و ۱۳(۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۱۲(۱) تا ۱۲(۴) و ۱۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی این حق را برای افراد در نظر گرفته اند، اما دیوار حایل، همان طور که پیش از این توصیف شد، به نحوی ساخته شده است که بسیاری

از ساکنان سرزمینهای اشغالی را در عمل از حق رفت‌وآمد در درون خاک خود محروم می‌سازد.

**- حق کار کردن:** هر کس حق دارد که کار کند و شغل خود را آزادانه انتخاب نماید و در مقابل بی‌کاری حمایت گردد. این مطلب در ماده (۱) ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده (۱) ۶ و (۲) ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ذکر شده است.<sup>۴۴</sup> ساخت دیوار حایل از دو جهت تعداد زیادی از فلسطینیان را از حق کار کردن محروم می‌سازد: نخست، از طریق تخریب اموال و مزارع و زمینهای کشاورزی که وسیله امرار معاش ساکنان است؛ و دوم، از این جهت که تعداد دیگری از افراد بدین سبب که محل کار و سکونتشان در دو طرف قرار می‌گیرد، از دسترسی به محل کار خود محروم می‌گردند.

**- حق تعیین سرنوشت:** کلیه ملت‌ها دارای حق خودمختاری هستند، به موجب حق مزبور، ملت‌ها وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند. آنها می‌توانند برای نیل به هدفهای خود در منابع و ثروتهای طبیعی خود، بدون اخلال در الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل، آزادانه هرگونه تصرفی بنمایند، در هیچ موردی نمی‌توان ملتی را از وسایل امرار معاش خود محروم کرد.<sup>۴۵</sup> حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت در بندهای ۱ و ۲ ماده یک میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین در بندهای ۱ و ۳ ماده یک میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است و امروزه یکی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد. احداث دیوار حایل با اعمال حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود در سرزمینهای اشغالی نیز منافات دارد؛ زیرا به‌طور ناخواسته باعث جدا و منزوی شدن بخشی از یک ملت از بخش دیگر آن که اصولاً سرنوشت مشترکی دارند، می‌گردد. گزارش دوگارد نیز با صراحت بر این موضوع اشاره دارد که «حق تعیین سرنوشت با مفهوم حاکمیت سرزمین پیوند خورده است. یک ملت حق تعیین سرنوشت خود را تنها می‌تواند در درون سرزمین متعلق به خود اعمال نماید.



تقسیم سرزمین فلسطینیان با ایجاد دیوار حایل، به شدت مداخله در حق تعیین سرنوشت فلسطینیان محسوب می‌گردد.<sup>۴۶</sup> علاوه بر موارد فوق، دیوار حایل حقوق دیگری از فلسطینیان را نیز به طور جدی نقض می‌کند؛ از جمله، حق دسترسی به امکانات آموزشی و مدارس و حق دسترسی به خدمات بهداشتی.

### نتیجه‌گیری

با توجه به ویژگیها و پیامدهای ناشی از ساخت دیوار حایل در سرزمینهای اشغالی فلسطین توسط اسرائیل که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت، مشخص شد که ساخت دیوار حایل در تناقض آشکار با دو دسته از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل؛ یعنی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر، قرار دارد. اصول و قواعد یاد شده در زمره قواعد عرفی و قراردادی حقوق بین‌الملل بوده و در خصوص قابلیت اعمال آنها در سرزمینهای اشغالی تردیدی وجود ندارد. به علاوه، ساخت دیوار حایل به منزله نادیده گرفتن قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد و همچنین موافقت‌نامه اسلو (۱۹۹۵) بین مقامات اسرائیل و فلسطین تلقی می‌گردد. بنابراین، حتی اگر بپذیریم که اسرائیل - آن طور که خود مدعی است - دارای منافع امنیتی برای حفاظت از مرزها و شهروندان باشد، نمی‌تواند اقدام به ساخت دیواری در سرزمینهای اشغالی فلسطین نماید که در تضاد آشکار با قواعد و مقررات مسلم حقوق بین‌الملل و حقوق بنیادین ساکنان این مناطق بوده و هیچ تناسبی میان توجیه ارائه شده برای احداث آن و پیامدها و نتایج سوء ناشی از آن وجود ندارد. به نظر می‌رسد که با توجه به پذیرفته شدن درخواست مجمع عمومی سازمان ملل برای ارائه رأی مشورتی از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری، رأی آتی دیوان ابعاد بیشتری از این مسئله را روشن نماید.<sup>۴۷</sup>

## یاورقیها:

1. Pieter H. F. Bekker, *The UN General Assembly Requests a World Court Advisory Opinion on Israel Separation Barrier*. available at: <http://www.asil.org>>

2. Ibid.

۳. دیوار حایل در مقایسه با دیوار سابق برلین از نظر طول و ارتفاع بسیار بزرگتر است. طول دیوار برلین ۹۶ مایل (۱۵۵ کیلومتر) و ارتفاع آن ۱/۸ فوت (۳/۶ متر) بود. ر. ک: [www.stopthewall.org](http://www.stopthewall.org)

4. Report of the Special Rapporteur of the Commission on Human Rights, John Dugard, on the Situation of Human Rights in the Palestinian Territories Occupied by Israel Since 1967, UN Doc. E/CN.4/2004/6, at September 8, 2003.

5. Ibid., Paragraph 6.

6. Regulations Concerning the Laws and Customs of War on Land. The Hague, October 16, 1907 (Hague Regulations).

7. August 12, 1979, 75 U. N. T. S. 287.

8. June 8, 1977, 1125 U. N. T. S. 606.

9. "What Is International Humanitarian law," at: <http://www.icrc.org>>

۱۰. جمشید ممتاز، «مقدمه‌ای بر تأثیر متقابل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، سخنرانی در دوره آموزشی کوتاه‌مدت «تأثیر متقابل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه» مرکز مطالعات حقوق بشر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۹ مهر ۱۳۸۲.

11. Hcy 606/78 Suleiman Tawfiq Ayyub et al. v. minister of Defence et al., at 6: (1978) 33 P. D. 113; 9 IS YHR 919790 337.

به نقل از:

"The Wall and International Humanitarian and Human Rigts Law," at: [www.stopthewall.org/downloads/pdf/book/international Law. pdf](http://www.stopthewall.org/downloads/pdf/book/international%20Law.pdf)>

12. Hague Regulations Article 23 (g).

13. "The Wall and International Humanitarian and Human Rights Law," op. cit.; see also Geoffrey R. Watson, *The Oslo Accords. International Law and the Israeli- Palestinian Peace Agreements*, Oxford: Oxford University Press, 2000. p 34.

14. See: David Kretzmer, *The Occupation of Justice: the Suprem Court of Israel and Occupied Territories*, Albany, SUNY: 2002. pp. 33-34.

15. SC. Res. 681. (1990).

16. GA. Res. 55/56 (2001).

17. "The wall and International Humanitarian and Human Rigts Law," op. cit., p. 80.

18. See: "Know Fact about the Wall." Produced by Palestinian Environmental NGOs Network

(PENGON) /Apartheid wall Campaign at: <http://www.pengon.org/wall/fact-march-2003.pdf>>

19. Dougard's Report, op. cit., at. 2.

۲۰. برای آگاهی، نگاه کنید به:

D. J. Harris, *Cases and Materials on International Law*. London: Swett and Maxwell, 1998. pp. 860-866.

21. See: G. A. Res. 2625 (XXV), October 24, 1970, Paragraph 10.

22. Micheal Kearney, "The Violence of Construction: Israel Wall and International law," at: <http://www.electronic/entifada.net/v2/article 2133>.

23. Ibid.

24. Ibid.

25. Ibid. see also Jean S. Pictet, *Commentary: IV Geneva Convention*. Geneva: ICRC, 1958, p. 275.

۲۶. به عنوان مثال، قطعنامه ES-10/13 تاریخ ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ مجمع عمومی به صراحت از اسرائیل خواست تا ساخت دیوار حایل را متوقف و بخشهای موجود آن را نیز از میان بردارد. این قطعنامه با ۱۴۴ رأی موافق در مقابل ۴ رأی مخالف به تصویب مجمع رسید. نگاه کنید به:

UN Doc A/ES- 10/248.

27. Know Fact about Wall, op. cit.

28. Theodor Meron, *Human Rights and Humanitarian Norms as Customary Law*, Oxford: Clarendon Press, 1989, pp. 46-7.

29. See: Jean S. Pieter, op. cit., p. 601.

۳۰. دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه کوردیچ (Kordic)، تخریب گسترده اموال را که ضرورت نظامی آن را توجیه نمی‌کند، براساس ماده ۲(d) اساسنامه (نقضهای فاحش کنوانسیونهای ژنو) به عنوان جنایت جنگی تلقی کرد. دیوان در این قضیه رأی داد: در حالی که ماده ۲۳(g) مقررات لاهه ۱۹۷۰ کلیه اموال داخل سرزمینهای درگیر در جنگ را تحت پوشش قرار می‌دهد، ماده ۵۳ کنوانسیون ۴ ژنو وظیفه‌ای علاوه بر آن و تنها برعهده دولت اشغالگر وضع می‌کند. نگاه کنید به:

Kordic and Cerkez IT- 95- 14/2 "Lasva Valley" Trial Chamber III, February 26, 2001, Paragraph 337.

31. See: First Kalshoven, "Constraints on the Waging of War," (ICRC) 1987, pp. 55-56.

32. See: ICRC, *Commentary on the Additional Protocols of 1977 to the Geneva Conventions of 1949*, Geneva: Martinus Nijhoff Publishers, 1987, p. 393.

33. Ibid.

34. Ibid.

35. Ian Brownlie, *International Law and the Use of Force by States*, Oxford: Clarendon Press,

1963, p.48.

36. "International Humanitarian and Human Rights Law." op. cit.

37. Ibid.

38. First Kalshoven, op. cit, pp. 55-56.

39. "The Wall and International Humanitarian and Human Rights Law." op. cit.

40. *Interim Agreement on West Bank and Gaze Strip*, September 28, 1995. Annex IVIV, Art 1(7).

41. "Concluding Observations on the Human Rights Committee: Israel. 18. 08. 98." Committee on Human Rights. CCPR/179/Add. 93 (August 18, 1998) 4 and "Concluding Observation of the Committee on Economic, Social and Cultural Rights: Israel. 04. 12. 98." Committee on Economic, Social and Cultural Rights. EC. 12/1 Add 27 (December 4, 1998).

۴۲. برای مطالعه بیشتر در رابطه با تأثیر متقابل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه رجوع کنید به: جمشید ممتاز، پیشین.

۴۳. بهمن آقایی، فرهنگ حقوق بشر، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۷۵.

۴۴. همان، ص ۵۷.

۴۵. همان، ص ۶۷.

46. Dougard Report, op. cit., at 15.

۴۷. توضیح اینکه در تاریخ ۸ دسامبر ۲۰۰۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ۹۰ رأی موافق، ۸ رأی مخالف و ۷۴ رأی ممتنع، قطعنامه ES- 10/14 را در دهمین نشست ویژه اضطراری خود در مورد مسئله فلسطین به تصویب رسانید. در این قطعنامه مجمع عمومی از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کرد در مورد پیامدهای حقوقی ساخت دیوار حایل در سرزمینهای اشغالی رأی مشورتی دهد. سؤال مورد درخواست مجمع بدین صورت است: با توجه به قواعد و اصول حقوق بین‌الملل از جمله کنوانسیون ۴ ژنو ۱۹۴۹ و قطعنامه‌های ذی‌ربط شورای امنیت و مجمع عمومی، پیامدهای حقوقی ناشی از ساخت دیوار حایل در دست احداث توسط اسرائیل - نیروی اشغالگر- در سرزمینهای اشغالی فلسطین؛ از جمله شرق اورشلیم و اطراف آن به صورت مشروحه در گزارش دبیرکل چیست؟ دیوان بین‌المللی دادگستری نیز طی قرار ۱۹ دسامبر ۲۰۰۳، درخواست مجمع عمومی را برای رسیدگی در دیوان و ارایه نظر مشورتی پذیرفت. در این قرار، دیوان از کلیه دولت‌هایی که حق مراجعه به دیوان را دارند، درخواست نمود که تا تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۰۴ بیانه‌های کتبی خود را در مورد موضوع مذکور به دیوان ارایه دهند. در قرار، دیوان به سازمان آزادی‌بخش فلسطین نیز اجازه ارایه بیانه کتبی و حضور در جلسه استماع را داده است. این امر برای نخستین بار در تاریخ رسیدگی‌های دیوان است که به نهادی که به لحاظ حقوقی از وضعیت «دولت» برخوردار نیست، چنین اجازه‌ای داده شده است. مراجعه کنید به:

<http://www.icj-cji.org>